اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و پنجاه)

مسخ (بخش ۴)

خط قرمز

خدای حکیم خیلی دقیق در قرآن کلمات را بیان میدارند. آن قادر متعال وقتی می فرمایند که گوشت خوک حرام است، یعنی گوشت خوک الی الابد حرام است و به هیچ عنوان پاک نمیشود. یعنی با هیچ فرآیند شیمیایی و یا ژنتیکی، نمیتوان گوشت خوک را پاک کرد و قابل مصرف کرد. شاید بعضی ها بگویند که میتوان بوسیله فرآیندهای شیمیایی و یا ژنتیکی، میکروبها و کرمهای داخل گوشت خوک را کشت و آن را قابل مصرف کرد. یا بعضی ها می گویند که ما طوری در ژنتیک خوک دست کاری میکنیم که ناقل بیماریها نباشد و خواص مضرش را از بین می بریم. اما مطمئن باشید که نمیشود.

خدا یک خط قرمز بیان فرموده است واین خط قرمز تا قیامت، خط قرمز است. یک ویدئو در یوتیوب دیدم که یک یهودی در مورد گوشت خوک صحبت میکرد و میگفت که موقعی که ماشیح (مسیح) بیاید، گوشت خوک پاک خواهد شد. او توضیح میداد که آن موقع طی فرآیندهایی شیمیایی و یا اصلاح ژنتیکی میتوان گوشت خوک پاک بدست آورد. اما مسیح آمد و از این دنیا هم رفت و گوشت خوک هم پاک نشد.

خط قرمزهایی که خدا گذاشته است، را نمیتوان با هیچ روشی پاک کرد. بشر خیلی دوست دارد که خط قرمزهای خدا را دور بزند. به همین خاطر بیشتر مردم مسخ شده اند. دور زدن خط قرمزهای خدا به معنای مسخ شدن است. انگار طراح عجیبی پشت این دورزدنها وجود دارد و آن کسی نیست جز شیطان ملعون. به شما قول میدهم اگر خدا در کتب آسمانی امر میفرمود که ای مردم خوردن چوب درختان بر شما حرام است؛ همین حالا فرقه های زیادی وجود داشتند که غذای اصلیشان چوب بود. اصلا مساله اصلی خود چوب و یا گوشت خوک نیست؛ بلکه نافرمانی و دهن کجی در مقابل دستور خدای عالمیان است. شیطان میخواهد خط قرمزهایی که خدا تعیین کرده است را دور بزند. زیرا در صورت دور زدن این خط قرمزهاست که عصیان علیه خدای رحمان شکل می گیرد. پیامبر ابراهیم چه زیبا به پدرش میگوید:

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿۴۴﴾
پدر جان شیطان را مپرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است (۴۴)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿۴۵﴾
پدر جان من می ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی (۴۵)

طبق فرموده دو آیه بالایی، رد کردن خط قرمزها (عصیان علیه خدای رحمان) منجر به لمس عذاب از طرف خدای رحمان میشود. یعنی همان خط قرمز میشود عذاب و دردسر. کسانی که گوشت خوک میخورند یا خوکی زندگی میکنند، دچار دردسرهای زیادی میشوند و سیستم جسمی و روحی آنان با نظام رحمانی تداخل پیدا میکند و باعث مشکل شدن زندگی آنها میشود.

اما خدا کلمات را دقیق بیان میدارند و میفرمایند که گوشت خوک حرام است و بنابراین سایر اعضای خوک بجز گوشت آن قابل پاک شدن هستند. آن قادر حکیم در آیه قرآن صراحتا می فرماید گوشت خوک (لَحْمَ خِنْزِيرٍ**) حرام است. او نمی فرماید** عِظامَ خِنْزِيرٍ **حرام است. بنابراین استخوان خوک حرام نیست و البته به این معنا نیست که میتوان فورا آن را به صورت غذا خورد. بلکه منظور این است که میتوان طی فرآیندهای شیمیایی آن را پاک و قابل استفاده نمود. در آیات قرآنی هم بین عظام (استخوان) و لحم (گوشت) فرق قائل شده است.**

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا

بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ
أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي
مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۳﴾

بر شما حرام شده است مردار و خون و گوشت خوك و آنچه به نام غير خدا كشته شده باشد و [حيوان حلال گوشت] خفه شده و به چوب مرده و از بلندى افتاده و به ضرب شاخ مرده و آنچه درنده از آن خورده باشد مگر آنچه را [كه زنده دريافته و خود] سر ببريد و [همچنين] آنچه براى بتان سربريده شده و [نيز] قسمت كردن شما [چيزى را] به وسيله تيرهاى قرعه اين [كارها همه] نافرمانى [خدا]ست امروز كسانى كه كافر شده اند از [كارشكنى در] دين شما نوميد گرديده اند پس از ايشان مترسيد و از من بترسيد امروز دين شما را برايتان كامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانيدم و اسلام را براى شما [به عنوان] آيينى برگزيدم و هر كس دچار گرسنگى شود بى‌آنكه به گناه متمايل باشد [اگر از آنچه منع شده است بخورد] بى ترديد خدا آمرزنده مهربان است (۳)

شاید استخوان خوک در صنایع ژلاتین سازی کاربردهایی داشته باشد. طی فرآیندهایی ، میتوان استخوان خوک را پاک نمود. هر چه هست نباید از خط قرمز خدا عبور کرد، چه از این طرف، چه از آن طرف. ما حق حرام و حلال کردن را نداریم. خدا گوشت خوک را حرام میکند و تا ابد حرام است. حتی اگر بشر ادعای پاکسازی کردن آن را هم داشته باشد، باز حرام است. البته بشر ادعاهای زیادی از این نوع دارد و همه اش بی خودی است.

اما اگر استخوان خوک پاکسازی شود، میتوان از آن استفاده کرد. این نکته عرض شد تا بفهمیم که هدف شیطان رد کردن خط قرمزهاست و گرنه استخوان خوک یا گوشت

خوک کدام استفاده شود و کدام استفاده نشود؛ برایش کوچکترین اهمیتی ندارد. شیطان میخواهد که ما از پیش خود، حرام و حلال انجام دهیم و خط قرمزهای خدا را رد کنیم. ما ازخدا مقدس تر نیستیم. وقتی می فرماید گوشت خوک حرام است، پس گوشت خوک حرام است و قابل پاک شدن هم نیست. اما استخوانش حرام نیست و میتواند بوسیله علم بشری پاک شود و قابل استفاده گردد. اما گوشت خوک هیچوقت پاک نخواهد شد و حتی اگر بشر تلاش کند که در ژنتیک خوک دستکاری کند، کار را خرابتر می کند. وقتی خدا میفرماید گوشت خوک حرام است، یعنی خوردن گوشتنش ممنوع است تا ابد.

همچنین فرآیند گوشت سازی در بدن خوک مشکل دارد و هیچوقت هم درست نمیشود. طریقه تغذیه خوک ناسالم و اشتباه است و به همین خاطر گوشت مناسبی بدست نمی آید و تمام اینها باید مورد بررسی انسانها قرار گیرد. آنچه که خدا میفرماید بی چون و چرا صحیح است. وقتی می فرماید که گوشت خوک حرام است، ما میتوانیم فلسفه و حکمت این تحریم را تا آنجایی که علم و تجربه بشری توان دارد از جهات مختلف بررسی کنیم، اما به آن معنا نیست که اگر روزی این خصوصیات مضر را در گوشت از بین بردند، پس آن موقع گوشت خوک سالم خواهد شد. بررسی این خصوصیات مهم است زیرا بشر دارد وارد یک زندگی خوکی میشود و طریق تغذیه معنوی و مادی خود را شبیه به خوک میکند. بنابراین شناخت خصوصیات زشت و تغذیه ای خوک برای ما مهم خواهد بود.

۱- گوشت خوک ناسالم است : شامل کرمها و انگلها و بیماریهای مختلف که برای خوک مشکلی ایجاد نمی کند ولی برای بدن انسان مشکل ایجاد میکند.

۲- طریقه تغذیه خوک ناسالم است: از کثافات، مردار، حتی خود خوکها تغذیه میکند. سرش را توی زمین فرو میکند و هر آنچه فضولات به دهنش برسد، میخورد. خوک تنها حیوانی است که نمیتواند آسمان را نگاه کند و همیشه سرش توی زمین است.

۳- خوکها در ظاهر کمتر بیمار میشوند، زیرا هر گونه میکروب و بیماری را در بدن خود نگه میدارند و هیچ کنش و واکنشی نسبت به آن نشان نمی دهند. خیلی از داروهای شیمیایی و مخدرات هم چنین بلایی سر بدن انسان می آورند.

۴- فرآیند تولید گوشت خوک سریع است. گوشت خوک خیلی نرم است، زیرا فیبر کمتری دارد و پر از چربی است و این بعلت زمان سریع تولید آن است. سم داخل گوشت خوک، سی برابر گوشت گوسفند است. خطرناکترین قسمت گوشت برای انسان، چربی ای است که بین گوشت و پوست هست. در خوک این چربی خیلی بیش از حد مجاز است. همچنین گوشت خوک دیر هضم است. اینها همگی معیارهای مناسبی برای تغذیه سالم است. خدای حکیم جهت جلوگیری از بیمارشدن انسانها، راهکارهای اساسی به ما داده است.

۵- خوکها در سال دوبار می زایند و هر بار هم ده دوازده بچه می زایند، در حالی که گاو در سال یک بچه می زاید. خوک طی شش ماه، به مرحله گوشت (۱۲۰ کیلو) میرسد، در حالی که این مقدار گوشت در مورد گاو به زمان چند ساله نیاز

دارد. این فرآیند خوکی، فاقد صبر و آهستگی است؛ و به همین خاطر گوشت خوک بی کیفیت است. اگر چه خدای حکیم فقط گوشت خوک را حرام کرده است ولی میخواهند ما را متوجه دخالت دادن صبر و زمان در تهیه گوشت سایر حیوانات کند. یک مرغ در مرغداری صنعتی در عرض زمان کمی به مرحله گوشت میرسد. آنان به خاطر دستکاری در زمان و نور، فرآیند تهیه گوشت را سرعت می بخشند که این به ضرر سلامتی مصرف کننده است. بهتر است که آدمیان در تهیه گوشت، از گوشت خوک عبرت بگیرند و گوشتی مثل آن تولید نکنند و زمان بیشتری به تهیه گوشت اختصاص دهند، تا از فرآیند تهیه گوشت مثل گوشت خوک تقلید نکنند. یا بعضی جاها، نانهای دورریز کپک زده به گاوها میدهند که یک نوع کثیف خوری است و شبیه به تغذیه خوک است.

۶- خوکها خیلی سریع رشد میکنند. سریع رشد کردن اصلا خوب نیست و بلکه باید فرآیند صبر در کارها باشد. بشر بدون صبر نمیتواند موفق شود. مردم بچه هایشان را خیلی زود با مسائل جنسی آشنا میکنند و میگویند که اینها بالاخره باید آشنا شوند! بچه ها خیلی زود بالغ میشوند و اصلا جالب نیست و این سبک زندگی، یک خاصیت خوکی و زشت است. اگر شرایطی پیش بیاید که بچه ها زودتر از موعد با مسائل جنسی آشنا شوند و درگیر آن شوند، افتضاح است و شبیه زندگی خوکی است. در آخر الزمان و یا آخر دوره ها، صبر یکی از آیتمهای مهم زندگی بشری خواهد بود که بدون دخالت دادن صبر در امورات، انسان زندگی خوکی پیدا میکند.

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾
سوگند به عصر [دوره زمانی] (١)

إِنَّ ٱلْإِنسَـٰنَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾
كه واقعا انسان دستخوش زيان است (٢)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنوا وَعَمِلُوا ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾
مگر كسانى كه ايمان آورده (پندار نيک) و كارهای نيک كرده (كردار نيک) و همديگر را به حق سفارش (گفتار نيک) و به شكيبايى توصيه (گفتار صبر) كرده اند (٣)

گفتار صبر، یک فرآیند است که باید در تمام جنبه های زندگی انسان نمود پیدا کند و گرنه بشر به یک زندگی خوکی خواهد رسید که غیر از تفریح و پرخوری جسمی و پرخوری روانی، هیچی حالیش نیست.

٧- **یا بعضی ها میخواهند زود بار خود را ببندند. آنها به روشهای کثیف مثل رشوه و ربا متوسل میشوند تا هر چه زودتر بار خود را ببندند و این یک روش خوکی است. عجله نه تنها کار شیطان است، بلکه روش شیطان هم است. گرچه انسان خودش از عجله ساخته شده است و این خودش مشکل اندر مشکل است.**

٨- **بشر میخواهد خیلی زود و سریع در هر چیزی به نتیجه برسد. این تعریف خودکشی است. خودکشی حاصل یک نوع خواهش افراطی است که انسان میخواهد زود به نتیجه برسد و وقتی نرسد، دست به خودکشی می زند. هر بیماریی زمان زیادی برده تا توانسته بر بدن ما غلبه کند و پس برای درمانش**

هم باید زمان به خرج داد تا درمان شود؛ نه اینکه بوسیله قرصها و مواد مخدر به فرآیند ظاهر سازی سرعت بخشیده شود. اصلا تمام بیماریها حتی سرطان طی فرآیند صبر در نظام رحمانی قابل درمان هستند بدون استثناء.

۹- سیستم خوک طوری است که هر چه دهنش به آن برسد، را میخورد و کاری به پاک و ناپاکش ندارد. مردار باشد، تعفن باشد، خود خوک باشد، یا هر چیز دیگری. این مبحث برای انسان هم مطرح است. آیا انسان هر چیزی که توانست نگاه کند، باید نگاه کند؟ آیا انسان هر چیزی که دم دستش بود، باید بخورد؟ آیا خوردن یک نیاز تقلیدی است و یا یک نیاز جسمی روانی؟ این عادات غلط همگی پرخوری روانی و جسمی است که دلیل اصلی بیماری انسانها، پرخوری روانی و جسمی است.

۱۰- اگر تابحال مبحث حرام بودن گوشت خوک، زیاد مطرح نبوده است، اما از این به بعد خیلی مطرح میشود و تغذیه بشر به روشن شدن این مبحث گره خورده است. زیرا در حرام بودن گوشت خوک، مباحثی همچون طریقه تهیه گوشت، پرورش، زمان، مکان و تهیه سایر غذاها و مواد پیش میاید.

۱۱- در کتاب مقدس، از زبان مسیح خوک به صورت استعاره ای برای اشاره به افرادی استفاده شده است که پاک و ناپاک را از هم تشخیص نمیدهند و هر چیزی را میخورند. در انجیل آمده است که مسیح دیوهای خبیث را از بدن مردی خارج کرده و آنها را به بدن گله‌ای از خوک ها می‌فرستد. از پس این حادثه خوک‌ها به دریا می‌دوند و غرق می‌شوند. حتی خوکها با آن همه کثیف خواری

و لجن خواری قادر به تحمل دیوها در بدن خود نبودند. اما انسان شب و روز با دیوها در ذهن خویش به سر می برد و مشکلی هم با آنها ندارد. واقعا انسان چقدر زیانکار و جاهل است. ان الانسان لفی خسر

۱۲- خدای مهربان در آیه سوم مائده، بعد از تعریف حرامها اشاره به دین اسلام میفرمایند. زیرا سبک زندگی رعایت همین خط قرمزهاست و دین به معنای سبک و استایل زندگی است. اسلام یعنی تسلیم خط قرمزهای خدا شوید و پا را فراتر از آن نگذارید. یعنی اگر روزی به شما گوشت خوک و یا زندگی به سبک خوکی پیشنهاد شد (اگر چه وسوسه انگیز بود و زینت داده شده بود)، نپذیر و تسلیم اوامر آن قادر متعال شوید.

۱۳- بعضی از خوکها تا زمانی که یک خوک دیگر با جفت آنها مجامعت نکند، تمایلی به او ندارند. انسان باید از تمایلات خوکی نسبت به جنس مخالف اجتناب ورزد. تمایل خوکی نسبت به جنس مخالف، منجر به ازدواج نخواهد شد و بلکه ازدواجهای تقلبی دیگری به اسم ازدواج سفید و ازدواج بنفش و ازدواج ساعتی و ... بوجود خواهد آمد. بعضی افراد که در دوران مجردی، خود را پاک نگه می دارند، مردم به آنها می گویند پاستوریزه، بچه مثبت، یا می گویند در باغ نیست. در یک جامعه خوکی، اینها قضاوتهای مردم در مورد کسانی است که دنبال پاکی اند.

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾
ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند آنان را از شهرتان بیرون کنید زیرا آنان کسانی اند که دنبال پاکی هستند (٨٢)

١۴- در برخی ادیان شرقی مثل بودیسم یا هندوئیسم، مفهوم تناسخ وجود دارد که ممکن است انسان به دلیل کارمای بد در زندگی بعدی به حیوان (از جمله خوک) تبدیل شود. اما از نظر قرآن، تناسخ به آن معنا که آنها میگویند در این دنیای فانی وجود ندارد. تناسخ یک خاصیتی است که در جهنم برای هر فردی بارها اتفاق می افتد. همانطور که خدا می فرماید در جهنم، بارها کافرین تغییر جلد داده میشوند، طوریکه هر بار با جلد قبلی فرق می کند (بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا)**. این همان تناسخ است که در جهنم برای افراد اتفاق می افتد. اگر چه مترجمین قرآن، جلد را به پوست معنا کرده اند. اما جلد معنایی گسترده تر دارد که به معنای نسخه هم هست.**

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾
به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده اند در آتشی [سوزان] درآوریم که هر چه پوستشان بریان گردد پوستهای دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند آری خداوند توانای حکیم است (۵۶)

بنابراین تناسخ در این دنیا اتفاق نمی افتد. اما در جهنم برای کافرین بارها پیش میاید. در این دنیا مسخ اتفاق می افتد و مسخ به معنای تغییر جلد افراد نیست. در مسخ ، افراد به حیوان مثلا خوک تبدیل نمی شوند؛ بلکه خصوصیات خوکی می گیرند. اما در مفهوم تناسخ؛ برای افراد تغییر جلد داده میشود. خدای مهربان در قرآن تکلیف تناسخ و مسخ را برای ما مشخص فرموده است.

مسخ در همین دنیا اتفاق خواهد افتاد و به معنای تغییر ماهیتی به حیوانات نیست بلکه شبیه شدن رفتار به میمون و شبیه شدن خصوصیات جسمی به خوک است. اما تناسخ در این دنیا اتفاق نمی افتد. بلکه در جهنم تناسخ بصورت تغییر جلد اتفاق خواهد افتاد. اما در بهشت مسخ و تناسخ وجود ندارد. هر کسی شخصیت واقعی خودش را دارد و از نعمات خدای رحمان لذت می برد.

مسخ = مربوط به این دنیا تناسخ = مربوط به جهنم

فرقه آگوری در هند، فرقه ای هستند که فقط گوشت مرده و خون می خورند و این دقیقا رد کردن خط قرمزی است که خدا تعیین فرموده است. آنها طبق عقاید خویش، معتقدند که این کار، آنها را به تناسخ خواهد رسانید و به موجود دیگری تبدیل میشوند. شیطان خیلی از مردم را با وسوسه به رد کردن خط

قرمزها، فریب داده است و آنها به جزای این کار، در جهنم خواهند رفت تا آنجا به معنای واقعی تناسخهای زیادی را تجربه کنند.
حتی شیطان در بهشت، آدم و حوا را به بهانه رسیدن به تناسخ فریب داد. به آنها گفت که آیا می خواهید به ملائکه تبدیل شوید و تغییر نسخه بدهید و به نسخه دیگری تبدیل شوید، از این درخت بخورید.

۱۵- میمونها مدفوع و فضولات را به سمت دیگران پرتاب میکنند. این خاصیت در میان انسانها بصورتهایی تقلید میشود. خیلی ها آشغالها و فضولات خود را در کوچه و خیابان و طبیعت رها میکنند. هر جا نگاه می کنید، پر شده است از نایلون که در طبیعت رها شده است و باعث آتش سوزیهایی در جنگلها میشود.
۱۶- تقلید کار زشتی است. زنان باید زن باشند و مردان مرد. این که زنان خود را شبیه مردان کنند و ادعاهای فمنیستی سر میدهند، یک نوع تقلید است. این که مردان هم خاصیت زنانه به خود دهند، یک نوع تقلید زشت است. تقلید آدمیان را زیبا نمی کند، بلکه زشت تر میکند.

۱۷- خدای مهربان در آیه ۳ سوره مائده از چهار خط قرمز صحبت می فرماید:

- **مردار**
- **خون**

- **گوشت خوک**
- **آنچه که برای غیر خدا تهیه شده باشد**

این چهار چیزی که خدا حرام فرموده است، دنیایی از مطالب برای نسل ما دارند. خدای حکیم علیم بعد از اعلام حرام بودن این چهار مورد، میفرماید که من امروز دین اسلام را برای شما کامل کردم. آن چهار چیزی که خدا حرام فرموده است را بیایید طور دیگری معنا کنیم:

مردار: هر چیزی که خاصیتش را از دست داده است و به درد نخور است و تعفن و انواع ویروسها به آن روی آورده است و بوی گندش در آمده است. جالب است که غیبت از خوردن مردار بدتر است. زیرا خدا می فرماید که غیبت مثل خوردن گوشت جسد برادر مرده است. این یعنی خیلی از خوردن مردار خطرناکتر و زشت تر است. مردار چیزی است که فسادش عیان و بوی آن بلند است. کسی که بوی تعفن غیبت را نتواند حس کند، عقل و احساس او به حالت خوکی رسیده است و مثل خوک تعفن و غیر تعفن برایش مهم نیست. خاصیت عمومی تمام اقوام وحشی در طول تاریخ این بود که آنها کثیف خور بودند. جادوگران برای باقی ماندن بر شغلشان، مجبور به کثیف خوری میشوند. کثیف خوری روانی و یا جسمی. خیلی از خواننده های سبک شیطانی، مجبور به کثیف

خوری روانی میشوند تا بتوانند در آن سمت و سوی بمانند. آنها در آهنگهایشان خط قرمزها را می شکنند تا بتوانند حمایت شیاطین بزرگ را به خود جلب کنند.

خون: خون دارای آهن و مواد انباشته زیادی است که با خوردن آن، بدن دچار حالتهای افراطی میشود و باعث نامتعادل شدن بدن میشود. خوردن خون، باعث غیرعادی شدن سایز بدن انسان میشود. بعد از ذبح حیوانات، باید بگذارید که خون آن خارج شود و گرنه گوشت را فاسد میکند.

در قبیله بودی در اتیوپی، مردان شکمهایشان را گنده میکنند تا که زنان را جذب خود کنند. آنان برای اینکار از خوردن ترکیب شیر و خون استفاده میکنند. مطالعات در زندگی قبایل بدوی که اکنون در آفریقا و آسیا و آمریکا وجود دارند، ما را به ضررات خوردن گوشت مردار و خون راهنمایی میکنند. خوردن خون باعث بیماریهای قلبی و کبدی هم میشود.

هر چیزی که حالت دوپینگی برای بدن داشته باشد، در این آیه صدق میکند. قرصهای مختلف دوپینگی و پودرهای بدنسازی و مکمل و آهن و غیره که مثل خون، در بدن جریان می یابند و اثرات آنها سریع السیر است. انواع آمپولها و قرصهای شیمایی و پنی سیلین و ... که سریع الاثرند، مشابه خون هستند. اما در نظر داشته باشیم که در آخر آیه خدا می فرماید که فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ

مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ **یعنی در حالت اضطرار و مخمصه میتوان از آن استفاده کرد. بنابراین کسی که دیابت دارد، و قند خونش می افتد، میتواند انسولین به خود تزریق کند. انسولین خودش خون مانند است. اما یکی که بدنسازی میکند و آمپول به خودش تزریق میکند، این حالت اضطرار نیست. بالاتنه یک بدنساز خیلی بزرگتر از سایر اعضای بدن اوست و این توازن بدن او را به هم میزند. این خاصیت بخاطر تزریق و مصرف انواع پودرها و سایر مواد نیروزاست. اینها همگی شبیه خونند برای بدن و تعادل و سایز اندامهای داخلی و خارجی بدن را به هم میزنند.**

میگویند که سگی که خون بخورد، هار میشود. اصلا گرگ بخاطر خوردن خون، خیلی درنده تر است. وقتی گرگ یک گوسفندی را بدرد و خون آن را حس کند، چند تای دیگر را هم میدرد. حرص و ولع نسبت به خون. خون آشام ها ابتدا خون آشام نبودند، بلکه کسانی بودند که خون میخوردند ولی بعد از مدتی به رتبه خون آشامی رسیدند.

گوشت خوک: این مورد در مطالب بالا توضیح داده شد.

هر آنچه که برای غیر خدا ذبح شده باشد : خدا در این آیه میفرماید (وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ**) یعنی هر آنچه برای غیر خدا ذبح شده باشد و البته اینجا از فعل** أُهِلَّ **استفاده فرموده است، یعنی در مورد اینکه برای غیر خدا ذبح شده است، باید**

گفته شده باشد و گرنه براساس شک و گمان نباید آن را بر خود حرام کرد. أُهِلَّ **از مصدر اهلال است به معنای بلند کردن صدا با نام کسی. مثلا بگوید این حیوان و یا هر چیز دیگری را به نام رسول الله و یا هر فرد دیگری غیر از خدا، ذبح میکنم. این یعنی برای غیر خدا ذبح شده است و چون بصورت** أُهِلَّ **گفته شده است، پس حرام است. خدای مهربان عمدا عبارت** لِغَيْرِ اللَّهِ **را بکاربرده است به معنای غیر خدا. غیر خدا یعنی هر کسی غیر از خدا؛ حتی پیامبران را هم شامل میشود. کسانی که برای غیر خدا قربانی و ذبح میکنند؛ بدون آن که توجه کنند، یکی از مهمترین خط قرمزهای چهارگانه تاریخ را رد کرده اند. آنان بدون آنکه بدانند، برای تناسخ فعالیت میکنند.**

۱۸- جالب است که در ادامه از چهار مورد دیگر منع می فرماید:

الْمُنْخَنِقَةُ : حیوان خفه شده
الْمَوْقُوذَةُ : حیوان کتک خورده
الْمَتَرَدِّيَةُ : حیوان پرت شده
وَالنَّطِيحَةُ : مردن براثر شاخ زدن حیوانات دیگر

این چهار مورد مربوط به رعایت حقوق حیوانات است. خدای حکیم با این چهار کلمه که فرموده است، کل مباحث حقوق حیوانات را پوشش داده است. ماتادور ها در غرب، در مراسم وحشیگری گاوبازی، گاوها را با نیزه و چاقو میزنند و آنان را با زجر میکشند. یا اینکه حیوانات را به جان هم می اندازند و مثلا مسابقه میدهند. بشر به ظاهر پیشرفته در حالی ادعای تمدنش، دنیا را کر کرده است که در امورات ساده هیچی حالیش نیست. آیه سوم سوره مائده شامل دستوراتی است که در تمام آئینهای قدیمی جهان تعریف شده است ولی جالب است که انسان به ظاهر متمدن به روشهای مختلف تمام این چهار مورد را دارد زیر پا می گذارد. ممنوعیت گوشت مردار، خون، گوشت خوک و ذبح شده برای غیر خدا مربوط به رعایت حقوق انسانهاست ولی این چهار مورد مربوط به رعایت حقوق حیوانات است. چهار چیزی که خدا منع فرموده است، هر کدام قسمتی از وجود انسان را مورد حمله قرار میدهد.

مردار: لایه جسمی انسان را بیمار میکند.

خون: لایه ناری انسانها را بیمار میکند و آنان را به خون آشام تبدیل میکند.

گوشت خوک: لایه احساسات انسان را از تعادل خارج میکند.

ذبح برای غیر خدا : لایه تعقل انسان را از تعادل خارج میکند.

هر کلمه از قرآن دنیایی از مطلب دارد. در پایان آیه می فرماید که امروز کافران از دین شما نا امیدند. دین سبک و روش و بینش زندگی است.

الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

کافران یعنی پوشانندگان واقعیتها. پس این قسمت از آیه یعنی اینکه کافران روش شما را نمی توانند اجرا کنند و قادر به انجام آن نیستند. توانایی اش را ندارند. زیرا آنان نمی توانند در سبک و شیوه زندگی، از سبک و شیوه خوکی دست بکشند و هر کار میکنند، بیفایده است و به روش زندگی خوکی اعتیاد پیدا کرده اند. سبک غلط یک فسق است و در نهایت به کفر تبدیل میشود. زیرا فسق مقدمه کفر است.